

بررسی اثر درآمدهای نفت بر امنیت غذایی خانوار روستایی

The Effect of Oil Income on the Food Security of Rural Households

سیده بصیره سعیدی^۱، حامد قادرزاده^۲، نسیم زارعی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۷

چکیده

توجه به امنیت غذایی در ایران همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی بوده و دولت اقدامات نسبتاً وسیعی را برای بهبود آن انجام می‌دهد. نفت هم به لحاظ جایگاه آن در تولید ناخالص داخلی و هم به لحاظ سهم آن در بودجه دولت و نیز منابع ارزی، در اقتصاد ایران از جایگاه بالایی برخوردار می‌باشد. در مطالعه حاضر به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر امنیت غذایی خانوار روستایی پرداخته شده است که با استفاده از شاخص آزادسازی تجاری، شاخص کلی امنیت غذایی و از روش ARDL در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۲ به تجزیه و تحلیل پرداخته است. برآورد متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت غذایی خانوار نشان داد که اثر درآمدهای نفتی و شاخص آزادسازی تجاری در بلندمدت بر امنیت غذایی خانوار مثبت و معنی‌دار اما اثر نقدینگی به صورت منفی است. پیشنهاد می‌شود سیاست‌های درآمدی دولت به نحوی باشد که افزایش کارایی در سیستم مالی با بهبود تخصیص منابع، موجبات رشد بالاتر اقتصادی را فراهم آورد که این رشد در بخش کشاورزی به افزایش تولید و عرضه محصولات کشاورزی منجر شود و در نهایت باعث افزایش درآمدهای کشاورزان شده و امنیت غذایی آنان را بالا ببرد.

واژه‌های کلیدی: امنیت غذایی، درآمد نفت، روش الگوی خود توضیح برداری با وقفه گسترده

مقدمه و بررسی منابع

نفت یکی از کالاهای کلیدی و استراتژیک دنیای امروز است که در تنظیم روابط سیاسی اقتصادی کشورها نقشی اساسی دارد. چنین نقشی برای کشورهای صادرکننده و در حال توسعه نفتی جنبه مضاعف دارد. به طوری که تقریباً هرگونه سیاست گذاری در این کشورها را می‌توان متأثر از سیاست‌های مرتبط با تولید، توزیع و درآمد حاصل از آن تلقی کرد. درآمد نفت در این کشورها تنها تأمین کننده یکی از عوامل رشد اقتصادی است (Armin et al., 2011) وابستگی اقتصاد ایران به بخش نفت در چند دهه گذشته، هم به لحاظ جایگاه آن در تولید ناخالص داخلی

۱. کارشناسی اقتصاد کشاورزی، دانشگاه کردستان، "نویسنده مسئول"، basirehsaiedi@gmail.com

۲. دکتری اقتصاد کشاورزی، استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

۳. کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی، مربی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه کردستان

کشور و هم به لحاظ سهم درآمد نفت در بودجه دولت و نیز منابع ارزی کشور، از ویژگی‌های قابل ملاحظه این اقتصاد بوده است ارتباط بین قیمت نفت و تولید ناخالص، زمانی وجود دارد که افزایش در قیمت منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی (برای کشور صادرکننده نفت) و کاهش قیمت هم به همان اندازه سبب کاهش در تولید ناخالص داخلی شود، اگر کاهش در قیمت نفت فعالیت اقتصادی را مختل می‌کند، افزایش در آن می‌باید موجب رونق فعالیت‌های اقتصادی شود. با توجه به این که نفت یکی از مهمترین منابع تأمین مالی بودجه‌ی کشورهای نفتی به شمار می‌آید، از این رو مهم‌ترین کانال اثرگذاری نوسانات نفتی بر اقتصاد، بودجه دولت‌ها است (Malian et al., 2013). از سوی دیگر بخش روستایی در ایران نقش عمده‌ای در تولید و تأمین مواد غذایی کشور دارد، افزایش قیمت محصولات کشاورزی به افزایش درآمد روستاییان و بالا رفتن قدرت خرید آنها و به افزایش دسترسی شهرنشینان به مواد غذایی می‌انجامد. بنابراین در صورت عدم توان بخش کشاورزی جهت تأمین مواد غذایی و نیاز مصرف‌کنندگان، دولت مجبور به واردات محصولات کشاورزی می‌باشد. این امر دو پدیده نامطلوب دنبال خواهد داشت اول آنکه سبب خروج ارز از کشور شده و دوم، این متغیر منجر به کاهش امنیت غذایی در خانوارها می‌شود. از آنجا که هدف دولت از اعمال سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی رفع وابستگی و خودکفایی می‌باشد اما این سیاست آن گونه که باید نتوانسته رسالت خود را به انجام برساند لذا اثر منفی بر امنیت غذایی داشته‌اند، بدون تردید یکی از مؤلفه‌های مهم امنیت غذایی دسترسی مردم به غذای کافی می‌باشد. در تعریف بانک جهانی از امنیت غذایی تأکید خاصی روی دسترسی به غذا در تمام زمان‌ها و برای تمام افراد شده است. نکته مهم در تعریف امنیت غذایی این است که دسترسی به غذا صرفاً نه به منظور ادامه حیات بلکه با هدف ایجاد بستر مشارکتی فعال و پویا در جامعه می‌باشد. این تلقی از امنیت غذایی بیش‌تر به رهیافت جدید از امنیت غذایی نزدیک است. رشد پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان در دهه‌های آتی است (Mehrabeboshrahadi and Ohadi, 2014). بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شده است که اثر درآمدهای نفت بر امنیت غذایی خانوار روستایی بررسی شود. در ادامه به برخی از مطالعات و تحقیقات در این زمینه اشاره خواهد شد.

برکچیان و مجاب (Brakchian and Mujab, 2012)، در مطالعه خود به بررسی تأثیر شوک‌های نفتی و پولی بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. برای این امر از الگوی خود رگرسیون برداری جزئی استفاده نمودند. نتایج نشان داده است که تولید غیرنفتی هم زمان با شوک مثبت درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد، اما آن کاهش در فصل‌های آتی جبران می‌شود. همچنین شوک پولی در توضیح نوسانات تولید، سهم نسبتاً پایینی بر عهده دارد. حسینی و همکاران (Hosaini et al., 2013)، در مقاله‌ای با عنوان اثر حمایت از بخش کشاورزی بر امنیت غذایی در ایران، به بررسی اثر سیاست‌های حمایتی دولت بر امنیت غذایی کشور در قالب الگوی VECM در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۶۸ پرداخته‌اند. نتایج مطالعه بیانگر اثر مثبت سیاست‌های حمایتی دولت بر شاخص امنیت غذایی کشور در دوره تحت بررسی است. مهرابی بشرآبادی و اوحدی (Mehrabeboshrahadi and Ohadi, 2014) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در ایران، به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی در طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۶۲ پرداخته‌اند. همچنین از رویکرد جوهانسون-

جوسلیسیون برای تحلیل اقتصاد سنجی استفاده کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای تنوع زراعی، درآمد سرانه و واردات محصولات کشاورزی، تأثیر مثبت و معنی دار و متغیرهای ضریب جینی و سیاست‌های حمایتی دولت از بخش کشاورزی، اثر منفی و معنی دار بر امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی داشته است. قیمت محصولات کشاورزی در مناطق روستایی اثر مثبت و در مناطق شهری اثر منفی بر امنیت غذایی داشته است. کاستا و همکاران (Costa et al., 2013)، به بررسی بهره‌وری کشاورزی و ناامنی غذایی در برزیل پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که بین سطح تحصیلات سرپرست خانوار، حضور افراد زیر هجده سال در خانواده، بهره‌وری زارعین و ناامنی غذایی، رابطه معناداری برقرار است. ژای (Zhai, 2013)، به بررسی امنیت غذایی در چین در چارچوب ساختار، سیستم و منابع پرداخته است. وی با استفاده از روش تئوری سیستم نشان داده است که تحقق امنیت غذایی در چین باید بر اساس شرایط خاص ملی، تخصیص بهینه منابع و بهینه‌سازی ساختاری صورت گیرد. اجلی و همکاران (Ojeleye et al., 2014)، به بررسی رابطه بین درآمد غیر کشاورزی و وضعیت امنیت غذایی خانواده‌های کشاورز در مقیاس کوچک در نیجریه پرداخته‌اند، در این مطالعه داده‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی از ۲۴۴ خانوار کشاورز و با استفاده از پرسشنامه ساختاریافته به دست آمده است. نتایج به دست آمده از روش آمار توصیفی و مدل رگرسیون چندگانه لاجیت نشان می‌دهد که فعالیتهای غیر کشاورزی از قبیل خدمات مدنی و تجارت موجب افزایش بازده درآمدی برای خانوار کشاورز شده و تأثیر معنی‌داری بر امنیت غذایی دارد.

مواد و روش‌ها

ARDL

پرکاربردترین و قابل قبول‌ترین الگوی پویایی، الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) می‌باشد که در این مطالعه نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

$$\phi(L, p)Y_t = \sum_{i=1}^k b_i(L, b)X_{it} + C'w_t + u_t \quad (1)$$

L عملکرد وقفه، W برداری از متغیرهای ثابت مثل عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی یا متغیرهای برونزای با وقفه ثابت، K تعداد متغیرهای توضیحی به کار گرفته شده در مدل، P تعداد وقفه بهینه مربوط به متغیر وابسته مدل و Q تعداد وقفه بهینه مربوط به هر یک از متغیرهای توضیحی می‌باشند. برای محاسبه ضرایب بلندمدت از مدل پویا استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت مربوط به متغیرهای X از رابطه زیر بدست می‌آیند:

$$\theta_i = \frac{b_{i0} + b_{i1} + \dots + b_{iq}}{1 - \phi_1 - \dots - \phi_p}, \quad i = 1, 2, \dots, K \quad (2)$$

لازمه‌ی آن که الگوی پویا به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد، آن است که مجموع θ_i ها ($i = 1, 2, \dots, K$) کمتر از یک باشد. اگر $(\sum \theta_i - 1)$ به مجموع انحراف معیار این ضرایب تقسیم گردد، یک آماره آزمون از نوع t نتیجه خواهد شد که می‌توان کمیت آن را با کمیت‌های بحرانی ارائه شده توسط بنرجی (Dolado) و (Masetr) برای انجام آزمون مورد نظر مقایسه کرد. اگر قدر مطلق t به دست آمده از قدر مطلق مقادیر ارائه شده بزرگتر باشد، فرضیه صفر رد شده و وجود رابطه بلندمدت پذیرفته می‌شود (Tashkinie, 2005).

شاخص امنیت غذایی

از آنجا که تأمین امنیت غذایی خانوارها از جمله برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است، لذا برآورد سطح امنیت غذایی خانوارها اهمیت خاصی دارد. این برآورد از طریق شاخص‌های صندوق توسعه - بین‌المللی، شاخص کلی امنیت غذایی، شاخص ظرفیت واردات مواد غذایی، شاخص میانگین نسبت کفایت غذایی یا شاخص نسبت انرژی دریافت شده از هر کالا به انرژی حاصل از مقدار توصیه شده کالا، شاخص بری، شاخص آنتروپی، صورت می‌گیرد که در این مطالعه از روش، شاخص کلی امنیت غذایی استفاده شده است.

شاخص آزادسازی تجاری

شاخص آزادسازی تجاری (شدت تجاری)، که عبارت است از نسبت تجارت یک کشور (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی به صورت زیر می‌باشد:

$$\text{openness} = \frac{X+M}{\text{GDP}} \quad (3)$$

که در آن X میزان صادرات کل (میلیون ریال)، M میزان واردات کل (میلیون ریال)، GDP تولید ناخالص داخلی است.

برآورد مدل

در این مقاله سعی شده تأثیر درآمد نفت بر امنیت غذایی خانوار روستایی را با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۶۲-۱۳۹۱ بررسی شود. بر این اساس مدل طراحی شده با فرمت خطی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\text{FS} = f(\text{IO}, \text{OP}, \text{LI}) \quad (4)$$

IO نشان‌دهنده درآمد نفتی است. افزایش درآمد نفتی باعث افزایش درآمد ارزی دولت می‌شود و این توان دولت را برای زیرساخت‌های بخش کشاورزی چه در امر تولید و چه در امر توزیع بالا می‌برد و همچنین این قدرت را برای دولت فراهم می‌کند که در صورت کمبود تولید داخل اقدام به واردات محصولات کشاورزی کند و از این طریق امکان دسترسی به غذا برای کشور بیش از پیش فراهم شود. پس منطقی به نظر می‌رسد که با افزایش در این گونه درآمدها انتظار بر آن باشد که تأثیر درآمد بر امنیت غذایی مثبت باشد.

OP نشان‌دهنده شاخص آزادسازی تجاری است. این شاخص ترکیبی از صادرات و واردات کالاها و خدمات می‌باشد. با توجه به آن که توسعه و افزایش درجه آزادسازی میزان تجارت طبق مطالعات ذکر شده باعث رونق و تأمین نیازهای مردم یک جامعه می‌شود، انتظار بر آنست که شاخص آزادسازی تجاری تأثیر مثبت بر امنیت غذایی داشته باشد.

LI نشان‌دهنده نقدینگی است، اگر رشد نقدینگی با رشد اقتصاد، رشد درآمد ملی و رشد درآمد سرانه نیز همراه نشود، نه تنها تورم، بلکه کاهش ارزش پول ملی به عنوان عارضه و بیماری‌های مقطعی کماکان نمود پیدا می‌کند هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت، به عنوان بیماری مستمر مزمن در کنار سایر عوارض و بیماری‌های خطرناک

مانند پایین آمدن سطح زندگی و رفاه اجتماعی، رکود اقتصاد و تولید، فقر، بیکاری، تبعیض، فساد و وابستگی ادامه خواهد داشت باید به تعادل‌های اقتصادی توجه داشت و کمک کرد که بازارها متعادل باشند. در این پژوهش با توجه به اهمیت امنیت غذایی از روش ARDL و شاخص کلی امنیت غذایی استفاده شده است چون در این شاخص تمام معیارهای مؤثر در امنیت غذایی قابل محاسبه است. همچنین روش گردآوری داده‌ها بصورت کتابخانه‌ای و از بخش سری زمانی بانک مرکزی جمع‌آوری شده است.

نتایج و بحث

بررسی پایایی متغیرها و رابطه بلند مدت بین آنها

پیش از انجام هرگونه تحلیل بایستی نسبت به وضعیت مانایی متغیرها و درجه هم‌انباشتگی آن‌ها از آزمون ریشه واحد دیکی- فولر یا دیکی- فولر تعمیم یافته استفاده نمود. طبق جدول (۱) نتایج بدست آمده از آزمون نشان می‌دهد، متغیرها ناپایا و با یک مرتبه تفاضل‌گیری پایا می‌شوند. در نتیجه برای تحلیل رابطه بلندمدت بین متغیرها، از رهیافت خود توضیح با وقفه گسترده (ARDL) استفاده می‌شود که این امر توسط (Mohammadi, 2011) تأیید شده است.

جدول ۱- آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل

Table 1- Unit root test for variables

درجه همگرایی	مقدار بحرانی	آماره ADF	نام متغیر
The degree of convergence	Critical value	ADF Statistics	Variable
I(0)	-3.71	-2.97	LFS
I(0)	-3.48	-3.58	LLI
I(0)	5.14	-1.97	LLI
I(0)	-1.23	-2.97	LOP
I(0)	-4.45	-3.36	LOP
I(0)	-2.33	-3.58	LIO
I(0)	-2.44	-1.95	LIO

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در این رهیافت، برای انتخاب وقفه بهینه می‌توان از معیارهای آکائیک، شوارز - بیزین، حنان کوئین و ضریب تعیین تعدیل شده استفاده کرد که به دلیل کم بودن تعداد داده‌ها در ایران و به دنبال آن برای جلوگیری از کاهش درجه آزادی از معیار شوارز - بیزین استفاده می‌شود که با توجه به این آماره، وقفه بهینه یک می‌باشد. برای بررسی وجود رابطه بلندمدت، t محاسباتی برابر با مقدار $4/70$ - به دست آمده که این مقدار از متناظر با جدول بنرجی، (Dolado) و (Master)، ($4/05$) به لحاظ قدر مطلق در سطح معنی‌داری ۵ درصد بیشتر است و فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان پذیرفت که رابطه بلندمدت در میان متغیرهای مدل وجود دارد. نتایج حاصل از برآورد این رابطه در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- نتایج حاصل از آزمون همگرایی مدل

Table 2- The results of the test convergence dynamic model

نام متغیر Variable	ضرایب برآورد شده Estimated Coefficients	انحراف معیار Standard Deviation	t آماره t Statistics
FS(-1)	0.40	0.128	3.13
LI	-0.102	0.187	-0.543
LI (-1)	-1.06	0.223	-4.47
LI (-2)	-2.01	0.222	9.4
LI (-3)	-0.886	0.215	-4.12
OP	-2.63	0.495	0.531
IO	-0.011	0.03	0.357
C	2.61	0.618	4.23
DU	-0.164	0.048	-3.42
	$\bar{R}^2 = 0.93$	D.W=2.01	F=30.32

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که در جدول (۲) نشان داده شده است، \bar{R}^2 برابر با ۰/۹۳ می‌باشد و این بدین معنی است که ۹۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. همچنین فرض عدم وجود خود همبستگی، تصریح مدل و عدم وجود واریانس ناهمسانی در این مدل تأیید می‌شود. پس از آزمون و اطمینان از وجود رابطه بلندمدت می‌توان آن را برآورد کرد. جدول (۳) نتایج این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت

Table3- The results of the long-term relationship

نام متغیر Variable	ضرایب برآورد شده Estimated Coefficients	انحراف معیار Standard Deviation	احتمال آماره t-استیودنت Statistics Probability
LI	-0.065	0.097	-0.668(0.051)
OP	0.438	0.832	0.527(0.06)
IO	0.018	0.049	0.367(0.071)
C	4.35	0.240	18.1(0.0000)
DU	0.273	0.103	-2.64(0.016)

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق جدول ۳، بیشترین و کمترین تأثیر بر امنیت غذایی به ترتیب مربوط به متغیرهای نقدینگی و درآمد نفت می‌باشد که نقدینگی دارای تأثیر منفی و درآمد نفت دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری است در این تحقیق برای بررسی چگونگی تعدیل عدم تعدیل کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت تولید، از الگوی تصحیح خطا برداری استفاده شده است. ضریب این الگو نشان می‌دهد که چند دوره لازم است تا اثرات عدم تعادل بر روی متغیر وابسته از بین برود و به روند بلندمدت خویش بازگردد. نتایج حاصل از خروجی مدل جمله تصحیح خطا در جدول (۴) آورده شده است.

ضریب تصحیح خطا در جدول ۴، ۰/۶۰- به دست آمده است. این عدد بدان معنی است که در هر دوره، ۶۰ درصد از عدم تعادل در درآمد نفت بر امنیت غذایی در اقتصاد ایران تعدیل شده و به سمت روند بلندمدت خود نزدیک می‌گردد و در طی یک دوره تعادل کوتاه مدت به بلندمدت می‌رسد.

جدول ۴- نتایج حاصل از الگو تصحیح خطا برداری

Table4- The results of pattern vector error correction

نام متغیر Variable	ضرایب برآورد شده Estimated Coefficients	انحراف معیار Standard Deviation	احتمال آماره t-استیودنت Statistics Probability
dLI	-0.102	0.187	-0.544(0.059)
dLI1	-1.12	0.152	-7.37(0.000)
dLI2	-0.885	0.215	4.12(0.001)
dOP	0.263	0.495	0.531(0.602)
dIO	0.010	0.030	0.357(0.072)
dC	2.61	0.618	4.23(0.000)
dDU	-0.164	0.479	-3.42(0.003)
ECM(-1)	-0.600	0.128	-4.70(0.000)
	$\bar{R}^2=0.96$	D.W=2.01	F=82.52

Source: Research finding

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه گیری کلی

در مطالعه حاضر به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر امنیت غذایی خانوار پرداخته شده است که با استفاده از روش ARDL در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۶۲ به تجزیه و تحلیل پرداخته است، متغیر وابسته مدل، شاخص امنیت غذایی (AHFSI) و متغیرهای مستقل آن، درآمد نفت و شاخص آزادسازی تجاری (openness) و نقدینگی (Liquidity) است. پس از تأیید وجود رابطه بلندمدت از طریق جدول برنجی-دولادو، نتایج حاصل از این مدل نشان می‌دهد که درآمد نفت دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص امنیت غذایی است. افزایش درآمد نفتی باعث افزایش درآمد ارزی دولت می‌شود که در صورت کمبود تولید داخلی، اقدام به واردات محصولات کشاورزی کند و از این طریق امکان دسترسی به غذا برای کشور بیش از پیش فراهم شود. همچنین متغیر شاخص آزادسازی تجاری نیز دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر متغیر وابسته می‌باشد. متغیر نقدینگی دارای تأثیر منفی بر امنیت غذایی است. ضریب الگوی تصحیح خطا برداری نیز در هر دوره ۹۳ درصد از عدم تعادل را تعدیل کرده بعبارت دیگر در طول یک دوره، تعادل کوتاه مدت به بلندمدت می‌رسد.

پیشنهادها

- با آزادسازی و کاهش یا حذف یارانه‌های مختل‌کننده تجاری و بهبود فرصت‌های دسترسی به بازار، می‌توان به تقویت تولید داخلی و به تبع آن، افزایش درآمد و امنیت غذایی کشاورزانی دست یافت که می‌توانند غذا را به گونه‌ای بهینه تولید کنند.
- در راستای اتخاذ سیاست‌های تجاری مناسب مانند کاهش موانع صادراتی و مالیات بر واردات و عوامل دیگر گام‌هایی بلندتر برداشته شود. زیرا آزادسازی تجاری، از یک سو، به افزایش تولید غذا از طریق مصرف آن در کشور با قیمت‌های رقابتی منجر می‌شود و از سوی دیگر، انگیزه کافی برای تولید با بهترین کارایی و عرضه‌ی محصولات غذایی را فراهم می‌آورد که سرانجام به تنوع بیشتر کالا و خدمات

مصرفی با هزینه کمتر، فقرزدایی، ارتقای استانداردهای زندگی افراد و امنیت غذایی خانوارها خواهد انجامید. در واقع، تجارت بین‌الملل باعث تضمین عرضه‌ی مطمئن و با ثبات در بازار شده، مصرف غذا با رشدی بیش از تولید داخلی را امکان پذیر می‌سازد.

۳. بخش روستایی در ایران نقش عمده‌ای در تولید و تأمین مواد غذایی کشور دارد و کشاورزی در ایران به تنهایی جوابگوی نیاز مصرف‌کنندگان در داخل کشور نیست. برای تأمین مواد غذایی، نیازمند واردات محصولات کشاورزی می‌باشد که با افزایش حساب شده این متغیر و اعمال سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی رفع وابستگی و خودکفایی، می‌توان امنیت غذایی خانوار را بالا برد.

References

- Armin, S. A. Ahangari, A. M. Zaraenejad, M. and Zeinivand, A.** (2011), The effects of fluctuations in oil income on core inflation in Iran Economic policy. *Journal of Economic Policy*, 2, 130-113.
- Barkchian, M. and Mujab, M.** (2012), The effects of oil income shocks on real output without oil. *Journal of Money and Economy*, no 9.
- Costa, L. V. Maciel Gomes, M. F. and De leils, D. A.** (2013), Food security and agricultural productivity in Brazilian metropolitan regions. *Procedia Economics and Finance* 5, 202-211.
- Husaini, S. Pakravan, M. and Enghaee, M.** (2013), Supporting effect of agriculture on food security in Iran, *Research Agricultural Economics and Development*, Cover ۴۴, number ۴.
- Malian, M. Sameti, M. and Ranjbar, H.** (2013), The possibility of replacing the income tax with oil revenues" case study: Iran". *Conference Electronic National outlook economic Iran*.
- Mehrabebohrabadi, H. and Ohadi, E.** (2014), Factors effective on food security in Iran. *Agricultural Economics*, Special lessue.
- Mohamadi, T.** (2011), Another common error in the application of time series models: Incorrect application model (model regressive and distribution Lag) *Quarterly Bulletin Economic, Iran*, no, 47.
- Ojeleye, O.A. Saleh, M.K. and Oyewole, S. O.** (2014), Non-Farm income and food security status of small scale sarming households in Nigeria. *Research Journal of Agriculture and Forestry Sciences*, Vol. 2(12), 1-7.
- Tashkinie, A.** (2005), *Econometrics practical help Microfit*, FIRST Edition, Cultural Institute Dibagaran Tehran.
- Zhai, K.** (2013), Vision of resource, structure, system and Chinese food security. *IERI Procedia*, 4, 408-416.